

دختر بابو

خاطرات دوران کودکی و نوجوانی

www.ketab.ir

افسر فاضلی شهربابی



سرشناسه: فاضلی شهربابکی، افسر، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور: دختر بابو (خاطرات دوران کودکی و نوجوانی) / مولف افسر فاضلی شهربابکی؛
ویراستار طاهره امینی پیرجل.
مشخصات نشر: کرمان: مرکز کرمان شناسی، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۵۴۰ ص: مصور
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۲۱-۰۰ وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: فاضلی شهربابکی، افسر، ۱۳۵۵ - - - - - خاطرات
موضوع: خاطرات ایرانی - قرن ۱۴ موضوع: Iranian diaries — ۲۰ th century
شناسه افزوده: مرکز کرمان شناسی
رده بندی کنگره: ۱۸۸۸ CT رده بندی دیویی: ۹۲۰.۶۰۵۵ شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۷۴۷۰۵



www.ketab.ir

عنوان کتاب: دختر بابو (خاطرات دوران کودکی و نوجوانی)
نویسنده: افسر فاضلی شهربابکی
ناشر: مرکز کرمان شناسی با همکاری بنیاد ایران شناسی
مدیر مسئول: سید محمدعلی گلایزاده
ویراستار: طاهره امینی پیرجل
تنظیم و صفحه آرای: لیلا گهرگری
حروف چینی: سمیه زین الدینی میمند
طرح روی جلد: مهسا مهربان پناه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۲۱-۰۰
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
شماره انتشار: سیصد و شانزده (۳۱۶)
قیمت: شومیز ۶۵۰۰۰۰ ریال، گالینگور ۸۵۰۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: هنگام

حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است

آدرس: کرمان - خیابان ابن سینا - مرکز کرمان شناسی. ۴-۲۲۲۶۹۵۸۱-۲۴

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه ناشر
۱۷	 پیشگفتار
۲۱	 دختر بابو
۲۵	 آغاز کودکی
۷۴	 حصه
۷۹	 مادرم سوخت
۸۳	 روپوش بلند
۸۷	 چپ دست
۹۱	 مادرنگی
۹۴	 ژاکت
۱۰۱	 هم‌بازی
۱۰۶	 فیلم سینمایی
۱۱۰	 گوساله

- ۱۱۴..... نمکی
- ۱۱۸..... مهره‌ی داغ
- ۱۲۲..... گوشواره
- ۱۲۴..... کفش‌های گلی
- ۱۳۲..... کاه‌دود
- ۱۳۷..... دو قربانی
- ۱۴۰..... انگشتر نامزدی
- ۱۴۷..... قابلمه‌ی روغن
- ۱۵۱..... احوال‌پرسی
- ۱۵۵..... دو چرخه
- ۱۶۱..... حنا
- ۱۶۵..... خر سبز
- ۱۷۰..... خوراکی جدید
- ۱۷۴..... آسمان
- ۱۸۰..... نور کم‌رنگ
- ۱۸۳..... نماز جمعه

- گرېبه و گرگ ۱۹۱.....
- سريال ۱۹۸.....
- کاسه ی گاودوشی ۲۰۰.....
- علی و احمد ۲۰۳.....
- قلم ننی ۲۱۰.....
- لال مونی ۲۲۰.....
- پرگار ۲۲۵.....
- حال و هوای دبستان ۲۲۹.....
- تخم سیمرغ ۲۳۶.....
- تنبيه سخت ۲۴۴.....
- شپش ۲۴۸.....
- عید نوروز ۲۵۳.....
- کبر شلغم ۲۶۲.....
- حر تو خر ۲۶۵.....
- زن زندگي ۲۷۲.....
- دفترچه ی خاطرات ۲۷۶.....

مقدمه ناشر

خاطره‌نویسی انسان‌های پاک سرشت، به عنوان نماد فرزاندگی و از جمله ارزش‌های فرهنگی و ادبی تاریخ به شمار می‌رود؛ فرهیختگانی که رویدادهای ایام را با قلم صدق و صفا بر سپیدای کاغذ می‌نشانند تا بخشی از آن دلنوشته‌ها را زمینه‌ساز تجربه آیندگان قرار دهند.

اهمیت این هشته‌های روزگار، تا بدانجاست که برخی خود، صفحاتی از تاریخ با قلم زده و چراغ راه آینده قرار گرفته‌اند. بخش‌های عمده‌ای از تاریخ بیهقی - که پشتوانه تحقیقات و پژوهش‌های بسیار بوده و هست - چیزی جز خاطره‌نویسی نبوده است. تردید نیست که توانایی قلم و سلیقه نگارنده در هم آموشی واژه‌ها و کلمات و زیبانگاری، نقش عمده‌ای در ماندگاری آن اثر ایفا می‌کند. مگر می‌توان «ذکر بر دار کردن امیر حسنک وزیر» را خواند و با رویدادهای لحظه لحظه آن همراه نشد؟ چگونه می‌توان تحت تأثیر آن قلم فرسایی، زبان به تحسین و تمجید نگشود و جزء جزء آن را در روشنای حافظه جای نداد و روزها و هفته‌ها با آن زندگی نکرد؟

آن روز بیهقی می‌دانست، این خاطرات، روزگاری، بخش جدانشدنی تاریخ عصر غزنوی می‌شود و فرزندان فردا با شاهد و

شرنگ دقایقش همراه خواهند شد؛ چنین بود که گفت: «اما غرض آنست که تاریخ پایه‌ای بنویسم و بنایی بزرگ افراشته گردانم، چنانکه ذکر آن تا آخر روزگار باقی بماند.» او قدر نوشته‌های خود را می‌دانست که گفت:

هر آنکس که دارد هُش و رای و دین

پس از مرگ بر من کند آفرین

نکته دیگری که در خاطره نگاری از اهمیت برخوردار است، صداقت و درستی نگارنده و حفظ امانتداری در بیان آنهاست. شک نکنیم که نادرستی‌های خاطره‌نویسی، دیر یا دیر روشن می‌شود و از اعتبار و بهره تلاش او می‌کاهد و در برخی موارد، خواننده را دلزده و بیزار می‌کند، به همین دلیل بود که باز هم بیهقی اطمینان داده که «سخنی نرانم که آن به تعصبی و تزیدی کشد و خوانندگان این تصنیف گویند، شرم باد این پیر را، بلکه آن گویم تا خوانندگان با من اندرین موافقت کنند و طعنی نزنند.»

خوشحالم که این وجیزه را برای خاطره و خاطره نگاری رقم می‌زنم که همه آنچه گفته آمد، آینه اندیشه و نوشتار اوست؛ زیرا هم ساده‌نگاری و زیبانویسی مورد نظر قرار گرفته، هم بیانی جز راستی و

حقیقت در نگارش آن به کار نرفته و هم نویسنده این اثر، پیش از این، جلوه های روشنی از منش و تفکر خود را نشان داده و ثابت کرده که نیازی به ایجاد جاذبه بیشتر، در رهگذر نوشته های دور از واقع ندارد.

باری اولین دیدار من با افسر فاضلی شهربابیکی به دهه هفتاد و قریب سی سال پیش برمی گردد؛ زمانی که او در پایان روزگار نوجوانی و آغاز ایام جوانی بود. این ملاقات در نخستین همایش شهربابک شناسی رخ داد؛ همایشی که به دنبال سمینارهای کرمان شناسی و برای معرفی ویژگی های شهرستان های استان برگزار می شد. افسر در این همایش شعری در باب ارزش های شهربابک سروده بود که خواندن آن با کف زدن های ممتد حاضرین همراه شد. در این میان استقبال شادروان «دکتر محمود روح الامینی» عضو شورای عالی مرکز کرمان شناسی و یکی از حاضران در جلسه، حال و هوای دیگری داشت، زیرا دکتر، چنان شیفته شعر افسر شده بود که بارها در جمع و تنهایی می گفت، ماشاء الله دیدی این دختر شهرستانی چه شعری سروده بود؟! و من نیز که دلبسته روشنای فکر و اندیشه این دختر شده بودم را بر سر شوق می آورد و بر احترام من در رهگذر شناخت استعداد های افسر، مهر تأیید می زد. از آن زمان گه گاه سراغش را می گرفتم و از حال و هوایش - به ویژه در زمینه چگونگی سرودن و سرایش شعر - جويا می شدم، تا اینکه یک روز او را با در

دست داشتن مجموعه‌ای از اشعار دیدار کردم و خدا را سپاس گذاشتم که آنچه در آرزویم بود محقق شد، زیرا همواره این نگرانی را داشتم که نکند افسر در چرخه امور تحصیلی یا زندگی روزانه گرفتار شود و از خلاقیتی که خداوند به او سپرده است غافل بماند. به این ترتیب بود که نخستین مجموعه شعر این گهربانو توسط مرکز کرمان‌شناسی به چاپ رسید.

بر این باور نیستم که اگر مرکز، و همایش شهر بابک شناسی نبود، استعداد افسر شکوفانمی‌شد و خلاقیت شعری و ادبی او به ثمر نمی‌رسید، اما این یقین را نیز نمی‌توانم کتمان کنم که دست کم، به این زودی به بار نمی‌نشست. بر این اساس همین جا عرض کنم که اگر تلاش‌های سی و چند ساله مرکز کرمان‌شناسی، هیچ بهره‌ای نداشته. همین که به یافتن و مطرح کردن افسر و افسرهای دیگر شهرستان‌ها انجامید، بیشترین حاصل را دربر داشته است.

گویی شعر بانوی شهر بابک، تازه به راه افتاده بود، چون زمان زیادی نگذشت که مجموعه دوّم و سوّم او منتشر شد و بالاخره کسب پایگاه و موقعیتی که او را نام‌آشنای شاعرهای استان، بلکه کشور ساخت، صورت پذیرفت.

اینک شاهدیم که افسر در راه تازه‌ای گام نهاده که بخش دیگری از شخصیت و توانایی‌های ادبی او را به تماشا سی‌گذارد. خاطره‌نویسی، آن هم به گونه‌ای خودمانی، ساده و دلپذیر که در عین

حال، هر سلیقه‌ای را راضی می‌کند و به تحسین و می‌دارد. او به خوبی دریافته است که اگر شعر، جولانگاه واژه‌ها و نکته‌های سنگین و تأمل‌برانگیز است، خاطره نویسی، آن هم زیر نام زیبای «دختر بابو» محل بهره‌گیری از ساده‌ترین شیوه نوشتاری است.

از ویژگی‌های دیگر این مجموعه آنست که نگارنده در آن هرگز «کوس لمن الملکی» سر نداده، خود را برتر از دیگر مردم زمانه‌اش ندانسته و به همان زندگی ساده و پدر و مادری که با کار و تلاش چرخ زندگی را بگردش درآوردند و خواهران و برادرانی که پاره‌ای از زندگی هستند، اشاره کرده و به آنها بالیده و افتخار کرده و پهنه‌ای از صداقت و سادگی را روی خواننده گشوده است.

آنچه بر ارزش و اهمیت این مجموعه می‌افزاید، اینکه نگارنده آن را بهانه‌ای برای تحقق بخشی از آرمان‌های فرهنگی خود، در راستای نشر و گسترش ضرب المثل‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم قرار داده و هر جا زمینه‌ای بدست آمده، آن نکته‌ها را با ظرافتی در میان خاطرات جای داده و حال و هوای دلچسبی ایجاد کرده است.

«سلام دختر گل گلابی / نوزه‌ی حسن کبابی»

جنبه‌های آموزش این اثر نیز قابل تأمل است؛ مثلاً آنجا که سخن از بچه‌های عقب افتاده به میان می‌آید و به علت آن یعنی ازدواج فامیلی

اشاره می‌کند. از یاد نمی‌برم سی سال پیش که مسئولیت آموزش و پرورش استثنایی استان نیز به عهده من گذاشته شده بود، هنگام مراجعه والدین بچه‌های عقب افتاده و مبتلا به «سندرم دان» برای ثبت نام، اکثر آنها به اولین سوال من که «آیا ازدواجتان فامیلی بوده» پاسخ مثبت می‌دادند.

بهر تقدیر خدا را سپاسگزارم که اثر دیگری از بانوی شعر و شعور شهربابک، به زیمور طبع آراسته می‌شود و دفتر دیگری فرا روی فرزندان این خطه فرهنگ پرور گشوده می‌گردد و به آنها می‌آموزد که در سایه تلاش و همت و پویایی، می‌توان به جایگاهی که شایسته آنیم، دست یافت. اگرچه در مورد افسر فاضلی شهربابکی باید گفت: باش تا صبح دولتش بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است

سید محمدعلی گلایزاده

مدیر مرکز کرمان شناسی

بهار ۱۴۰۰